

گفتگوی اختصاصی نورخوزستان با یک فعال فرهنگی

لزوم پای کار آمدن صدا و سیما برای تدریس دانش آموزان حاشیه شهر

افزایش آمار ابتلای معلمان و دانش آموزان به کرونا با تدریس حضوری



دکتر اکبر ظریفی فعال فرهنگی و دبیر پایه متوسطه در گفتگو با خبرنگار نورخوزستان با اشاره به وضعیت فعلی دانش آموزان و تدریس حضوری در حاشیه شهر اهواز اظهار کرد: در حال حاضر وضعیت استان خوزستان به لحاظ ویروس کرونا قرمز است و این مسئله نیاز به توجه بسیار دارد تا دانش آموزان و والدین نسبت به این مهم آگاه باشند.

وی با بیان اینکه تعداد دانش آموزان حاشیه شهر اهواز از سطح شهر برای رفتن به مدرسه بیشتر است، افزود: این موضوع به این دلیل است که در حاشیه شهر اهواز برخی خانواده‌ها از تعداد فرزندان بیشتری برخوردار هستند و توانایی تدریس به صورت مجازی را ندارند.

ظریفی گفت: در حاشیه ی شهر اهواز به دلیل مسائل فرهنگی که وجود دارد، بیشتر خانواده ها آنگونه که باید مسئله ویروس کرونا را جدی نگرفته اند که این مهم باعث شده افراد بیشتری به کرونا مبتلا شوند و نسبت به این بیماری توجه لازم را نداشته باشند.

این فعال فرهنگی ادامه داد: سهل انگاری از سمت والدین به دلیل توجه نداشتن به خطر ویروس کرونا منجر شده تا بدون اطلاع کافی فرزندان خود را به مدرسه بفرستند.

وی با اشاره به حضور الزامی و اجباری معلمان در مدارس بیان کرد: به طور مثال اگر در یک کلاس درس تنها پنج دانش آموز مجبور به حضور در مدرسه هستند، مابقی خانواده ها فکر می کنند که تعداد کم است پس آنها هم می توانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و این باعث شده که تعداد دانش آموزان هر کلاس افزایش یابد.

این معلم پایه متوسطه با اشاره به موضوع رعایت پروتکل های بهداشتی از سوی دانش آموزان خاطرنشان کرد: در سطح شهر هم علیرغم تلاش ها و آموزش های ارائه شده اما باز هم شاهد آن هستیم که دانش آموزان ماسک نمی زنند و تحمیل و تمایل آنها نسبت به رعایت بهداشت کم است، در نتیجه بدیهی است که در حاشیه شهر رعایت دستورالعمل های بهداشتی خیلی کمتر رعایت می شود، بارها دیده شده که دانش آموزان ماسک خود را در جیب می گذارند و توجهی به این مسئله ندارند.

ظریفی افزود: برخی از مدارس حاشیه شهر اهواز حتی از سیستم شستشو محروم اند با این حال می توان تصور کرد که



دختری که از رابطه های گذری و روزانه لش زله شده بود و می گفت آنقدر با آدم های مختلف بودم و در متجلباب های گوناگون اقدام که حالا خسته شده‌ام.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، اولین باری که خودم با این موضوع مواجه شدم برمی گردد به زمان انتخاب واحد ترم ۷ دانشگاه، زمانی که همه ما در راهروی رو به روی اتاق آموزش دانشکده برای زودتر انتخاب کردن درس هایمان در تالطم بودیم که صحنه ای توجه اغلب ما را به خود جلب کرد. یکی از همکلاسی هایمان انگار با پدرش برای انتخاب واحد آمده بود. همه بچه ها به او سلام می کردند و حتی دیدم چند نفر از روی نیمکت های راهرو دانشکده بلند شدند و جایشان را به او دادند. ظاهر خوبی داشت، مرتب و به قول معروف کاملا اتوکشیده و باکلاس بود.

چندساعتی در گیر بودیم تا اینکه نزدیک های ظهر از مکالماتش با دوستان که تا قبل از آن فکر می کردیم فرزندش است، متوجه شدیم انگار رابطه شان نه پدر و فرزندی و نه پدربزرگ و نوه ای است.

ما همه مان آنجا صحنه ای از رابطه ای را مشاهده کردیم که تا قبل از آن فقط چیزهای محدودی از آن شنیده بودیم.

آن مرد میانسال اتوکشیده وازاه ای برای هم کلاسی ما به پدک می کشید که شاید وجهه قشنگی در جامعه ندارد، اما واقعیت این است که این روزها عده ای «شوگر ددی» و «شوگر مامی» شده اند تا کسی از تعادل طبیعی جامعه برهم بخورد.

این موضوع آن قدر ذهن همه ما را درگیر کرد که بیشتر از قبل وسوسه شدم بیشتر از انگیزه اش برای انتخاب همچون فردی بدانم، هرچند به رو آوردن این موضوع آنقدر شخصی و خصوصی است که نشود به حریم کسی وارد شد.

فضای دوستی و رفاقت را برای صمیمی تر شدن و پرسیدن چنین موضوعاتی مناسب دیدم و چند روز بعد که دوباره در محیط دانشگاه دیدمش، کنارش ننشستم و سر بحث را باز کردم.

دختری بود که از رابطه های گذری و روزانه اش خسته شده بود. می گفت آنقدر که با آدم های مختلف بودم و در متجلباب های گوناگون اقدام، خسته شدم.

پسرهای امروزی نه قصد ازدواج دارند و نه کار درست و حسابی، من هم چون فرد مناسبی برای ازدواج ندارم، ترجیح دادم حداقل با کسی وارد رابطه شوم که پول برای خرج کردن داشته باشد.

پرسیدم دوستان صمیمی خودت هم درگیر چنین رابطه هایی هستند؟ گفت: من اولی بودم، آنقدر از وضعیت در حال حاضرم راضی هستم و تعریف کرده ام که آن ها هم ترغیب شدند کسی را با این شرایط برای خودشان پیدا کنند.

او ادامه داد: این آدم ها آنقدر پخته شده اند که نه روی احساسات دختری یا می گذارند و نه باعث دغدغه هستند. اغلب این افراد همسرشان یا فوت کرده است و یا طلاق گرفته اند و رفته اند. کل سال های عمرشان را کار کرده اند و حالا فقط دنبال خوشگذرانی هستند. درست است که ممکن است کمی توقعاتشان بالا باشد و تنها به دنبال به دست آوردن شریک جنسی جوان تر باشند، اما باز هم از بازپچه شدن برای پسرهای امروزی که هیچ هدفی در زندگی ندارند بهتر است.

نه تنها مردها دوست دارند با دخترهایی که چندین سال از آن ها کوچکتر هستند وارد رابطه شوند، بلکه زن های پولداری نیز هستند که سراغ پسرهای جوان می روند و تا جایی که بخواهند پرايشان را لحاظ مالی سنگ تمام می گذارند.

فردی را می شناسم که پسری ۲۹ ساله است و از ۲۳ سالگی به علت جدا شدن از همسرش از آن زمان درگیر همچون رابطه هایی شده و در این چندسال شوگر مامی های زیادی خرج و مخارجش را تأمین کرده اند.

او معتقد است وقتی کسی آنقدر پول دارد که می تواند هم خرج و مخارج روزانه آدم را تأمین کند و هم پول رهن خانه و خودروهای گران قیمت و... را نیز بدهد، چرا از

پول یا تعهد و علاقه؟

گفت وگو با دختری که با شوگر ددی به دانشگاه آمد

سعیده شریفی روانشناس و مشاور خانواده در گفت وگو با باشگاه خبرنگاران جوان درباره آسیب های روانی این روابط اظهار کرد: شوگر ددی ها اغلب به دنبال رابطه جنسی هستند و می خواهند آن ها را با پول بخرند.

او با بیان اینکه دختران جوان تمایلات عاطفی دارند، گفت: شوگر ددی ها اغلب به دنبال سوءاستفاده از دختران جوان هستند، در حالی که توانایی تأمین نیازهای عاطفی را نیز ندارند.

این روانشناس ادامه داد: اغلب دختران در چنین رابطه هایی خسته و ناامید می شوند، مگر آن که بخش زیادی از احساسات خود را به خاطر پول کنار بگذارند، حتی اگر چنین رابطه هایی منجر به ازدواج شود فرصت مادر شدن را از طرف مقابل می گیرد.

شریفی با بیان اینکه پسری که با یک شوگر مامی وارد رابطه ای می شود علی القاعده باید نگاه تند اطرافیانش را تحمل کند و رابطه او به قیمت از دست دادن ارزش های زندگی او تمام می شود، اضافه کرد: کسی که دنبال چنین روابطی است باید در وهله اول به یک روانشناس مراجعه کند، چرا که او می تواند با کمک یک مشاور خلاهای ذهنی اش را بر کند و نحوه تفکر خود را تغییر دهد.

همچنین رضا فریدی روانشناس بالینی و فعال آسیب های اجتماعی در گفت وگو با باشگاه خبرنگاران جوان اظهار کرد: منطق «شوگر ددی» کاملاً منطبق با منطق حاکم بر عصر ماست، عصری که انسان در مقام کالا قرارگرفته است و به مانند سایر تولیدات صنعتی و خدماتی قابل خرید و فروش در بازار است.

او با بیان اینکه امروزه برخی از رسانه ها اینگونه القا می کنند که هیچ ارزشی به جز ثروت وجود ندارد و تنها راه رسیدن به سعادت و خوشبختی کسب درآمد و ثروت بیشتر است، گفت: سوزه های پرورش یافته در چنین فرهنگی اینگونه آموخته اند که تنها راه رسیدن به ثروت خرید و فروش پول و ثروت آنهاست.

فریدی گفت: آن ها از لحظه ای که چشم به جهان می گشایند والدینی را می بینند که تمام تلاش خود را به کار گرفته اند تا با هر طریقی بر ثروت خود بیافزایند، آن ها در مدرسه با معلمینی برخورد می کنند که آشکار علم را مورد تمسخر قرار داده و بر ارزشمندی کسب ثروت تأکید می کنند، آن ها یاد می گیرند که علم و دانش هم کاسبی بیش نیست و در این بازار مکاره باید سریعاً چرتکه های خود را کوک کنند.

فعال آسیب های اجتماعی با بیان اینکه در چنین جامعه ای است که دختر جوان سی ساله حاضر می شود به عقد مردی همن پدر و پدر بزرگ خود درآید تا از این راه به ثروتی دست پیدا کند، افزود: در جامعه ای که سرمایه و پول تعیین بخش تمام مناسبات اجتماعی و فرهنگی است بدیهی است که انسان نیز به کالایی تبدیل می شود که ثروتمندان قدرت خرید آن را خواهند داشت.

او ادامه داد: اگر بخواهیم گرایش جنسی افراد جوان به افرادی که از نظر سنی فاصله زیادی با او دارند را از دید روان شناختی بررسی کنیم، به «اختلال جنسی پیردوستی» برمی خوریم که دربرعکشی از دختران و پسران جوان به وجود می آید و تمایل آن ها را برای همیشه به جنس مخالف مسن معطوف می کند.

فریدی با بیان اینکه البته در موارد زیادی این تمایل با خشونت های آزارگرایانه همراه است، گفت: از دلایلی که این افراد برای گرایش خود مطرح می کنند، قابل اعتمادبودن و متکیبودن افراد مسن تر است،او تصریح کرد: خصوصاً در این عصر و در نسل جوان تمایل برای ازدواج با افراد بسیار مسن تر از خود روبه فزونی است؛ که افزایش ناآمنی های اقتصادی و اجتماعی و بلوغ عاطفی دبیرس به ویژه در پسران از علل آن است،او گفت: آنچه در تاریخچه زندگی افراد مبتلا به این اختلال بیشتر به چشم می آید این است که در کودکی از والدینی برخوردار بوده اند که نتوانسته اند امنیت لازم و کافی را که یکی از مؤلفه های اساسی رشد شخصیت به حساب می آید برای فرزند خود فراهم سازند؛ لذا این کودکان در بزرگسالی به صورت ناخودآگاه تمایل به ازدواج با فردی دارند که هم بتواند نقش همسر آنان را ایفا کند و هم نقش پدری برای دختران و مادری برای پسران.

فریدی با بیان اینکه البته باید در نظر داشت که افراد مبتلا به این اختلال با افرادی که به طور سنتی، فرهنگی یا قبیله ای و غیره به اجبار تن به چنین ازدواجی می دهند متفاوتند، ادامه داد: زیرا در گروه اخیر انتخاب شریک زندگی با فاصله سنی زیاد انتخاب واقعی فرد نبوده است.

این فعال آسیب های اجتماعی گفت: برای پیشگیری و کاهش این پدیده باید تمهیداتی از جنبه های فردی، خانوادگی و اجتماعی اتخاذ شود؛ همچنین یادمان باشد همواره یک اقدام کارآمد «ارتقا سطح آگاهی» در برابر بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب زا وجود دارد و بدون شک ناآگاهی موجب شیوع رفتارهای آسیب زننده و پیامدهای آن خواهد بود.

دانستنی های حقوقی



سقوط جنین چه مجازاتی

دارد؟



بر اساس قانون سقط عملی مجرمانه است و قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، سقط جنین جرم است و ممکن است نوعی جنایت به حساب آید.

بر اساس قانون اگر مادر موجب سقط جنین شده باشد، دیه جنین را باید به پدر و در صورت نبود پدر به سایر ورثه بپردازد و اگر پدر موجب سقط جنین شده باشد، دیه را باید به مادر بدهد و در صورتی که شخص دیگری مسبب سقط باشد باید دیه را به پدر و مادر بدهد.

ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی آمده است که هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه، به تحمل یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

همچنین بر اساس قانون درخواست صدور مجوز سقط جنین تنها زمانی پذیرفته می شود که برای درمان باشد و قبل از چهار ماهگی جنین زوجین درخواست داده باشند و با معرفی نامه پزشک نتایج آزمایشات پزشکی به اداره کل پزشکی قانونی استان تقدیم شده باشد پس از تأیید درخواست سقط امکان پذیر است. در چه صورتی سقط جنین مشروعیت دارد؟ البته بر اساس قانون در مواردی سقط جنین مشروعیت دارد و بنا به درخواست زوجین این امکان وجود دارد.

در مرحله قبل از دمیدن روح اگر ادامه حاملگی برای مادر زیان آور باشد و باعث سختی و منقلب او شود و سلامتی او را در خطر اندازد، در اینجا حرج مجوز اسقاط جنین قرار می گیرد. اینکه چه کسی باید این حرج را تشخیص دهد، در درجه اول به عهده خود مادر است که در شرایط بارداری قرار دارد و در صورت عدم امکان تشخیص از جانب وی، این امر به عهده کارشناس امر قرار داده می شود. بر اساس قانون بعد از دمیدن روح مجوزی برای اسقاط جنین وجود ندارد، زیرا در صورت دمیده شدن روح در جنین او در حکم یک انسان است که با اسقاط وی اقدام به قتل او کرده اند.

سال۱۳۸۴ قانونی به نام سقط درمانی به تصویب رسید که بر اساس آن سسط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز است و مسئولیت متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

دیه سقط جنین چقدر است؟

در صورتی که سقط جنین غیر قانونی باشد علاوه بر مجازات حبس، دیه هم برای آن در نظر گرفته شده است.

نطفه ای که در رحم مستقر شده است، دو صدم دیه کامل، علقه که در آن جنین به صورت خون بسته در می آید، چهار صدم دیه کامل، مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی در می آید، شش صدم دیه کامل است. همچنین عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است، هشت صدم دیه کامل، جنینی که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده، اما در آن روح دمیده نشده است، یک دهم دیه کامل است.

دیه سقط جنینی که روح در آن دمیده شده در صورتی که جنین پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و در صورتی که مشتبّه باشد سه چهارم دیه کامل است.

هرگاه در اثر جنایت بر مادر، جنین از بین برود، علاوه بر دیه یا ارش جنایت بر مادر، دیه جنین نیز در هر مرحله از رشد که باشد پرداخت می شود.

زمانی که زنی جنین خود را در هر مرحله ای که باشد، به عمد یا شبه عمد از بین ببرد، دیه جنین توسط او پرداخت خواهد شد و اگر با خطای محض از بین ببرد، عاقله مادر دیه را پرداخت می کند.

در صورتی که جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی شود و هرگاه چند جنین در یک رحم باشند، سقط هر یک از آن ها دیه جداگانه دارد.